

# حوا

فصل نامه علمی-فرهنگی انجمن  
اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)  
سال سوم/شماره یازدهم/ پاییز ۱۳۹۹

## دوشیزگی در نگاه جامعه‌شناسی مصاحبه با دکتر زهرا میرحسینی



خشونت علیه زنان در جهان مدرن | ای آینده‌ی جادویی کی از همه زیباتره؟ | وقتی  
داعیه‌داران حقوق زنان سکوت می‌کنند! | پشت پرده آبروداری | دوشیزگی و حقوقش |  
بانوی علم و ادب | قربانیان بی‌صدای زنا | با اجازه پدرم، بله | نقد فیلم هفت و نیم |  
زنان بدن خویش را شخصا مدیریت می‌کنند | در باب هایمن و باورهای غلط پیرامون آن  
| حواشی حذف دو قانون در مجلس!

# اسلامی

حوا اولین فصلنامه علمی-فرهنگی دانشگاه الزهراء(س) در حوزه ی زنان و خانواده

## شناسنامه نشریه:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س) عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: ام البنین وکیل زاده  
سردبیر: زهرا ملکوتی پور

نویسندگان: مهسا ابراهیمی لای، زهرا عباسیان، زهرا ملکوتی پور، ام البنین وکیل زاده، فریبا بی پوش، زهرا رحمانی، کوثر پاریزی، ریحانه سادات وحیدی، کوثر محمدی هنجروئی، مهدیه اسدالهی، سمیرا رحمتیان، زهرا طاهر خوانی

استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی

ویراستار: فاطمه پیران  
صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر از سرکار خانم وزیري که ما را در انتشار این شماره از نشریه همراهی کردند.

تلگرام:

havvamag@  
anjomanalzahra@

اینستاگرام:  
anjoman\_eslami\_alzahra@  
havva\_mag @

تلفن: ۰۹۰۳۹۶۹۳۴۹۷

## فهرست:

سخن سردبیر: دخترانگی ..... ۱

### سرویس جامعه شناسی:

خشونت علیه زنان در جهان مدرن ..... ۳

ای آینه ی جادویی کی از همه زیباتره؟ ..... ۴

دوشیزگی در نگاه جامعه شناسی ..... ۶

وقتی داعیه داران حقوق زنان سکوت می کنند! ..... ۹

### سرویس روانشناسی:

پشت پرده آبروداری ..... ۱۱

### سرویس فقهی-حقوقی:

دوشیزگی و حقوقش ..... ۱۳

بانوی علم و ادب ..... ۱۵

قربانیان بی صدای زنا ..... ۱۶

با اجازه پدرم، بله ..... ۱۸

### سرویس فرهنگ و هنر:

نقد فیلم هفت و نیم ..... ۲۱

زنان بدن خویش را شخصا مدیریت می کنند ..... ۲۲

### سرویس فیزیولوژی:

در باب هایمن و باورهای غلط پیرامون آن ..... ۲۴

### سرویس خبری:

حواشی حذف دو قانون در مجلس! ..... ۲۷

## سخن سردبیر:

## دخترانگی

زهرا ملکوتی پور



همه ما دختر هستیم با روحیات و سلايق خاص خودمان و با علايق متفاوت. جدای از کلیشه ها و نگاه های جامعه دختر بودن ما با مجرد بودن یا ازدواج کردن ما یا بهتر بگویم دوشیزگی ما ارتباطی ندارد. ما همیشه دختر خانواده خودمان می مانیم. خواستیم بگویم روز دختر برای دختر یک خانواده بودن است و برای تمام بانوان این سرزمین. اما متأسفانه همه ما از زمان کودکی تا زمان پیری خود دچار کلیشه ها و توقعاتی از جامعه هستیم. فشارهایی که گاهی ما را می شکنند و از بین می برند. از ما می خواهند دخترانگی خود را حفظ کنیم و با هیچ مردی حرف نزنیم، ظرافت داشته باشیم، کدبانو و فعال باشیم، هنرمند باشیم، مستقل باشیم و در عین حال ریاست بی دلیل مردان را زیر سوال نبریم! در برابر همه چیز صبر کنیم و توقعات بسیار دیگری که همه ما کم و بیش با آن برخورد داشته ایم. ما دختران سالهاست برای برآورده کردن این خواسته های نامعقول تلاش کرده ایم تا از نظر جامعه مورد قبول واقع شویم شاید چون از طرد شدن می ترسیدیم. اما نهمیده ایم در تمام این سالها برای برآورده کردن همه این خواسته ها چه هزینه سنگینی داده ایم. ما از روح و جسم خودمان هزینه کردیم. جامعه ما با حذف زنانه بودن و زنانگی به بهانه حضور در جامعه مردسالار اولین ضربه بزرگ را به ما زده است و ما نیز اکثر اوقات سعی کرده ایم مرد باشیم تا دوام بیاوریم. در برابر تبعیض ها، نابرابری ها، طعنه ها، متلک ها و کنایه ها شکستیم اما سکوت کردیم و مرد شدیم. در برابر مردانی که ادعا داشتند جامعه برای مردان است، قد علم کردیم و ایستادیم اما نتیجه این تغییرات این شد که ما زنان نیز طی این سالها بخشی از خود و برخی از روحیاتمان را از دست دادیم. حادثه ای که باعث شد با نادیده انگاشتن نیازهای زنانه ما، به سمت بیماری های جسمی و روحی برویم. با حذف روح و جسم خود با خودمان و زنانگی مان جنگیدیم. اما یادمان رفت بدن و روان ما نباید حذف شود. جسمی را که از روز تولد با آن متولد شده ایم و رشد کرده ایم؛ روانی که با آن زیست کرده ایم به هیچ وجه نباید حذف شود بلکه باید آن را شناخت. توانمندی ها و آسیب پذیری های آن را بشناسیم. دلیل دردهای خود را پیدا کنیم و حواسمان به خودمان، روحیاتمان و جسممان باشد. بپذیریم که متفاوتیم. ولی این تفاوت دلیلی برای ضعف نیست. در پایان باید بگویم هر انسانی در این کره خاکی هدفی دارد؛ هدف خود را پیدا کنیم. در دنیای بروکراسی و بی روح مردان دنبال جواب نباشیم و جواب خودمان را پیدا کنیم؛ مناسب با روحیه و توانمندی خودمان.



## خشونت علیه زنان در جهان مدرن

به مناسبت روز جهانی خشونت علیه زنان



مهدي ابراهيمي

جسمی، جنسی و روحی زنان شود. تصور غالب مردان و متأسفانه بسیاری از زنان این است که اگر مورد ضرب و شتم و آزار جسمی قرار بگیرند به اصطلاح باید خدشون رو شکر کنند، بنابراین طرز تفکر رایج به خصوص در کشور ما باعث می‌شود سایر رفتارهای زن ستیز و اذیت کننده عادی تلقی شود. یعنی طبق این تفکر باقی رفتارها مانند متلک پرانی‌ها، نگاه‌های هرز و بیمار مردان و... رفتارهایی عادی باشد و یک زن صرفاً زن بودن باید آن‌ها را تحمل کند و مهم‌تر از همه سکوت کند چون تا بوده همین بوده است. هدف از تعیین این روز، این است که بدانیم خشونت چیست؟ حقوق خودمان را بشناسیم و برای بهره مندی از حقوق خودمان تلاش کنیم.

خشونت یعنی قوانین معیوب یعنی مرد اگر از نظر خودش شغل زن را بر خلاف مصالح خانواده ببیند می‌تواند مانع از کار کردن زن شود و این حق قانونی او است. خشونت یعنی پدری دختر جوان خود را به وحشیانه ترین شکل ممکن به قتل می‌رساند چرا که از این قوانین معیوب مطلع است. در کشور ما و در مقیاس بزرگ‌تر در جهانی که در آن زندگی می‌کنیم حرف‌های مهم‌تری از آمار و ارقام این خشونت وجود دارد و آن شنیدن صدای زنانی است که زیر بار مفاهیم مرد سالارانه شنیده نمی‌شود.

صدای این زنان رو بشنویم. آگاه باشیم و آگاهی ببخشیم.

روز ۲۵ نوامبر از سوی سازمان ملل متحد به عنوان روز خشونت علیه زنان نام گذاری شده است. هدف از تعیین این روز آگاهی بخشی در این زمینه و یادآوری آمار و ارقام تلخ خشونت علیه زنان است که در قرن حاضر و با وجود پیشرفت تکنولوژی این ارقام همچنان روند صعودی داشته است.

متأسفانه در دنیای مدرن خشونت علیه زنان فقط شکل عوض کرده و در غالب‌های جدید به حیات خود ادامه می‌دهد.

با وجود این که در بیشتر کشورهای جهان قوانین منع خشونت به تصویب شده اما آمارها نشان می‌دهد ۳۵ درصد زنان خشونت را تجربه کرده‌اند، متأسفانه این رقم در بعضی از کشورها به ۷۰ درصد هم می‌رسد. این ارقام به این معنا است که خشونت به شکل یک الگوی جهان شمول در حال اجراست و از نسلی به نسل دیگری منتقل می‌شود. از نظر من مهم‌ترین اتفاقی که در این روز باید رقم بخورد آگاه کردن خود زنان است. \_ بله، خود خود زنان.

تجربه نشان داده است که آگاهی از یک پدیده به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بر آن کنترل بیشتری داشته باشیم. علاوه بر این نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان ما با زنان علیه زنان مواجهیم که این آگاهی بخشی شاید بتواند قدری این ماجرا را کاهش دهد.

تعریفی که از خشونت بر زنان ارائه شده عبارت است از هر گونه، تاکید می‌کنم هر گونه ای از رفتار که باعث آزار

## سرویس جامعه‌شناسی:





زیبایی و سایر تغییرات بدنی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱- دستکاری‌هایی که سبب افزایش زیبایی و مقبولیت اجتماعی شده مانند تغییرات و جراحی‌های متعارف و گاه خطرناک بینی، فک، لیپوساکشن، تزریق بوتاکس و... ۲- جراحی‌هایی که ریشه منطقی و حتی زیبایی‌شناسانه نداشته و شاید به قول بوردیو به دنبال متمایز سازی هستند و به نوعی ساختارشکنانه محسوب می‌شوند. مثل چشم گربه‌ای، گوش الاغی و...

از موارد منتج از مطالب بالا چند نکته کوتاه و کلیدی را می‌توان برشمرد؛ رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های خارجی و شبکه‌های مجازی با الگوسازی و تعیین معیارهای زیبایی نقش مهمی در تن‌انگاری منفی زنان دارند، مردسالاری و سرمایه داری توأمان در تصورات منفی زنانه نسبت به بدنشان نقش مؤثری ایفا می‌کنند و تصورات منفی از بدن در دوران مدرنیته به مراتب بیش از دوران ماقبل مدرن است که بدن در حاشیه تلقی می‌شد. و با توجه به گسترش روز افزون تاثیرات رسانه و تکنولوژی و حرکت بیش از پیش جوامع به سمت جامعه‌ی جسمانی و مصرف‌گرایی افراطی و برداشته شدن مرزهای زندگی خصوصی و اجتماعی تصورات منفی افراد خصوصاً زنان نسبت به بدن خود افزایش می‌یابد و به دنبال آن گرایش به جراحی پلاستیک، صنعت مد و به طور کلی مدیریت بدن، گاه برای پوشاندن معایب و گاه به منظور زیباتر شدن سیر صعودی پرشتابی داشته باشد.

اینجا نکته‌ای را ناپستی از نظر دور داشت و آن اینکه اولاً میزان ناراضیتی از بدن‌های نامناسب و صورت‌های نه چندان جذاب در میان زنان و مردان یکسان نیست و ثانیاً همانطور که کش می‌گوید مدیریت بدن در مردان در بسیاری مواقع به منصفه ظهور نمی‌رسد و یک تمایل بالقوه درونی باقی می‌ماند. نتیجه منطقی این مسئله دوری نسبی مردان از جراحی‌های سنگین و هزینه‌های بالای خرید لوازم آرایشی و زیباسازی صورت و بدن، رژیم‌های سخت و طاقت فرسای لاغری و تناسب اندام و... می‌باشد. پس می‌بینیم که چطور کلیشه جنسیتی زن زیبا و خوش اندام در این موارد هم غالباً به ضرر زنان تمام می‌شود.

مدرنیته به خودی خود عامل مهمی در ایجاد بدن‌های مدرن و قرائت‌های نو از زیبایی می‌باشد؛ که غالباً این نو قرائت‌ها برای طیف وسیعی از جامعه معنادار اما غیر قابل دسترس است. این مسئله با وجود رسانه‌های مختلف قوت می‌گیرد. در پژوهش گروه داو تحت عنوان زیبایی نقادانه عنوان می‌شود از آنجا که در رسانه‌های جمعی مدرن مفهوم تقلیل یافته زیبایی یعنی همان زیبایی جسمی و بدنی مورد استفاده واقع می‌شود و به دیگر مولفه‌های آن مثل خوشحالی، مهربانی، تعقل، عشق، درک و غیره توجهی نمی‌گردد و از سوی دیگر کیفیت خاصی از زیبایی که در رسانه تبلیغ می‌شود غیر قابل دسترسی است. زنانی که الگوی خود را از رسانه اخذ می‌کنند دچار نوعی افسردگی و خود کم‌بینی می‌گردند.

اما در ایران؛ طبق پژوهش تبارشناسانه امیر مظاهری و همکاران در ایران دو گفتمان و فهم اصلی و رقیب از بدن خصوصاً در میان زنان شکل گرفت. ۱- فهمی که بدن را آفریده خالق هستی و غیر قابل تغییر می‌داند و دستکاری در ساختار بدن را خلاف مشیت الهی قلمداد می‌کند. ۲- فهمی که قائل به حکمرانی بدن و شیء‌انگاری آن است در نتیجه فرد را مجاز به هر نوع تغییر در آن می‌داند. بودریار شبیه سازی را از مسائل مبتلابه جوامع پسامدرن می‌داند به نظر می‌رسد این چالش از مدت‌ها قبل در جامعه ایران به وجود آمده است. یعنی افرادی به عنوان الگو از سوی رسانه‌های گوناگون معرفی شده و دیگران سعی در تقلید رفتارهای آنان اعم از طرز راه رفتن، صحبت کردن، لباس پوشیدن و... دارند. گاهاً این افراد معیار زیبایی هم محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد همه دست‌کاری‌ها و مدیریت بدن در ایران و البته در همه جای دنیا اعم از جوامع پیشرفته و یا در حال توسعه در جهت زیباسازی یا جوان سازی افراد صورت نمی‌گیرد و به طور کلی امروزه جراحی‌های

# ای آینده‌ی جادویی کی از همه زیباتره؟

«تن‌انگاری منفی زنان در دنیای مدرن»



کوش محمدک هنجرونی

که ترنر می‌گوید عرضه‌کنندگی انسان‌ها میزان مصرف کنندگی و مدیریت بدن را در ایشان بالا می‌برد یا بالعکس؟ یعنی انبوه تبلیغات مسبب افزایش بدن‌نمایی و مدیریت بدن می‌گردد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا بایستی تعریفی از مفاهیم تن‌انگاری و مدیریت بدن ارائه کنیم؛ تن‌انگاری یعنی تصور فرد از بدن خویش که غالباً در دنیای مدرن تحت تاثیر دوستان، آشنایان و رسانه‌های مختلف قرار می‌گیرد و در بین زنان این تصورات نسبت به مردان مهم‌تر تلقی می‌شود. تصور از بدن در اکثر زنان به صورت منفی تجربه می‌شود. مدیریت بدن به معنای نظارت، مراقبت و دستکاری مستمر ویژگی‌های ظاهری بدن است. از مظاهر این مدیریت مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی، رویه‌های لاغری و تناسب اندام، دستکاری‌های پزشکی و گرایش به مد لباس را می‌توان نام برد.

دیدگاه نحله‌های مختلف فمینیستی نسبت به تن‌انگاری فزاینده منفی و آثار آن در میان زنان متفاوت است. درحالیکه فمینیست‌های اولیه آرایش و دستکاری در بدن را نشانه‌ای از سلطه مرد سالاری می‌دانستند و معتقد بودند زن آرایش کننده برای جلب توجه دیگری مهم که همان مرد است خود حقیقی‌اش را پنهان کرده، فمینیسم موج سوم آرایش، زیبا سازی، جراحی‌های خطرناک و... را جملگی راهی برای احقاق عاملیت زن و قدرت وی می‌دانستند. آنان معتقد بودند زنان می‌خواهند از طریق زیبایی به قدرت برسند. در میان تحلیل‌های مختلف از بدن یکی از مهمترین تحلیل‌ها از آن بوردیو می‌باشد. وی معتقد است بدن افراد و سرمایه‌ای که از طریق آن ساخته می‌شود توضیح دهنده رفتار مصرفی افراد است. افراد گوناگون برای کسب منزلت و پایگاه اجتماعی به دنبال بدنی زیبا و متمایز هستند. او همچنین به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند و بدن را حامل ارزش در زمینه اجتماعی می‌داند. عواملی چند ایجادکننده تصورات منفی فزاینده از بدن مخصوصاً در میان زنان است. البته ناگفته نماند که این تصورات منفی خاص زنان نیست و به قول توماس کش مردان نیز از این قبیل تصورات ایمن نیستند. لکن از آنجا که جامعه آن را مغایر با احساس مردانگی می‌داند مردان به صورت آرام و خاموش از این مسئله رنج می‌برند. در





زهرا مالکوتی پور



## دوشیزگی در نگاه جامعه‌شناسی مصاحبه با دکتر زهرا میرحسینی

و غیررسمی . کنترل اجتماعی رسمی از سوی نظام‌های حقوقی و مثلاً سازمان‌هایی مثل پلیس و سیستم های عدالتی قوه قضاییه اتفاق می‌افتد و غیر رسمی مثل خانواده و گروه‌های همسالان افراد این نظارت را انجام می‌دهند. مردها بیشتر تحت کنترل نظارت رسمی هستند ولی در زن‌ها این کنترل بیشتر از طریق کنترل های غیررسمی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و کنترل‌های غیررسمی از داخل خانواده و از طرف گروه‌های اولیه اتفاق می‌افتد و نمود بیشتری دارد و اینکه ما احساس می‌کنیم که دخترها بیشتر تحت چارچوب هستند و موقعیت دخترها بیشتر تحت این چارچوب‌ها و تحت قواعد اخلاقی قرار می‌گیرد.

### ۲. این رفتار ریشه در چه چیزی دارد؟

این رفتارها همانطور که در سوال قبل اشاره کردم به کنترل اجتماعی برمی‌گردد. اما شاید بتوان گفت که ریشه دیگری هم دارد. اینکه در باور جامعه هست به زمینه‌های مردسالاری برمی‌گردد. اینکه زن‌ها نیاز دارند سرپرستی بشوند. وابستگی بیشتری دارند. به قیومیت احتیاج دارند. زنها در مقایسه با مردها بیشتر نیاز مواظبت و حمایت دارند. موضوع ناموس را هم داریم که معمولاً بر می‌گردد به اینکه احساس می‌کنند که زن‌ها نیاز به حمایت بیشتری دارند.

### ۳. آیا جامعه ما در حال حاضر این مساله را پذیرفته؟ اگر بله ماجرای رومینا پس چرا به قتل کشیده شد؟

خیلی از خانواده‌ها هنوز هم مایل هستند که دخترانی داشته باشند که مطیع باشند. سربه راه باشند. ارزش‌ها و هنجارهایی که در جامعه تعریف شده است را رعایت کنند. در ماجرای رومینا هم خانواده‌هایی بودند که با پدرش همدردی کردند و اینکه دختری که آبروی آن‌ها را میخواست ببرد لازم است کشته شود و من به شخصه چندین بار شنیدم. و به بستری با زمینه‌های فرهنگی برمی‌گردد ولی اینکه خود ماجرای قتل را ببینند، خیر. پسندیده نیست ولی یکسری از خانواده‌ها که دختری که تحت کنترل و نظارت آنها نباشد و قواعد و

چارچوب های اخلاقی را رعایت نکنند. به عنوان یک ننگ می‌دانند.

### ۴. همه این چارچوب‌ها به طلب بکارت باز می‌گردد؟

بحث اول به حیا و رعایت اخلاقیات و روابط پیش از ازدواج برمی‌گردد که در دین اسلام دارای قید و بند و چهارچوب های خاص خودش است و مسلماً برای مرد‌ها هم روابط گسترده ای را نمی‌پسندد. این بخش به موضوع مورد بحث خیلی بر نمی‌گردد.

طلب بکارت یه قسمتش برمی‌گردد به مسائل سنتی و آن نگاه مردسالارانه جامعه و احساس مالکیتی است که مردها نسبت به زنان است. تا زمانی که دختر خانواده هستند و این احساس مالکیت از سمت پدر هست که خودش را به عنوان کسی می‌داند که مسئولیت نگهداری از دختر را به عهده دارد و باید مواظب باشد که از آن چارچوب و قواعد خارج نشود و وقتی که آن را می‌خواهد در قواعد سنتی تحویل یه مرد دیگری بدهد، انگار می‌خواهد به صورت کامل آن را تحویل دهد و یک جورایی امانت داری خودش را اثبات کند و آن را تحویل یک مرد دیگری که قرار است شریک زندگی یا براساس تفکر سنتی مالکیت آن را دارد.

در مباحث اسلامی خیلی است و در اسلام ما اصلاً چنین تفکری نداریم و ریشه این رفتارها فرهنگی و سنتی است. چه بسا که خیلی از خانواده‌های مذهبی هم باشند که به این مسائل جزئی اهمیت ندهد و امکان دارد با فردی ازدواج کنند که ازدواج اولش هم نباشد.

اما در خانواده‌ای سنتی خیلی برایشان اهمیت دارد که یک پسر باید حتماً با یک دختر ازدواج کند نه با یک زن که قبلاً ازدواج قبلاً رابطه داشته و ازدواج کرده. در صورتی که بحث های مذهبی امکان داره که این مسئله خیلی مورد توجه قرار نگیرد.

هرچند مذهبی و سنتی که با هم باشند و چه بسا توجه به این مسائل خیلی بیشتر بشه ولی بحث بکارت بیشتر به این جنبه‌های مردسالاری برمی‌گردد و اینکه نگاه که نسبت به زنان احساس مالکیت می‌کنند و اینکه به صورت کامل و دست نخورده تحویل همسرشان داده بشه به نظر من بیشتر روی این و بحث برمی‌گردد و این بخش از کنترل نظارت غیر رسمی که روی رفتار زن‌ها هست دقیقاً به همین معنا برمی‌گردیم که کسی مالکیت آنها خدشه وارد نکند.

### ۵. آسیب های روابط قبل ازدواج چیست؟ چه برای دختران چه برای پسران؟

مسلماً آسیب های روابط قبل از ازدواج. یه بخشش برمی‌گردد به این نابسامانی‌هایی که به لحاظ رفتاری بعداً توی خانواده شکل می‌گیره و عدم اعتماد اجتماعی که افراد از دست می‌دهند به خاطر به روابطی که هست. این‌ها برمی‌گردد به آن زمینه‌های فرهنگی توی خانواده‌هایی که روابط پیش از ازدواج کاملاً ممنوع باشد و من به عنوان یک هنجار درونی کرده باشند مثلاً نمی‌پذیرند که یک فردی روابط پیش از ازدواج داشته باشد و با آشکار شدن این امکان را از اختلافات خانوادگی خیلی بالا به بحث اینکه خیانت زناشویی اتفاق می‌افته مطرح می‌شود در حالی که بعد از خانواده‌های امکان

دارد که این مسئله را پذیرفته باشد چه بسا که الان روابط پیش از ازدواج برای پسر‌ها یه جورایی طبیعی تر از دخترها نمود پیدا کرده و امکان دارد مثلاً اگر یک پدرمتوجه بشه که پسرش روابط پیش از ازدواج دارد به اصطلاح دوست دختر دارد خیلی ناراحت نشود و حتی امکان دارد بگوید پسر زرتگی دارد مه توانسته با دختر رابطه برقرار کند. ولی حالت برعکس و برای دخترش را به هیچ عنوان نپذیرد.

### ۶. اگر روابط خارج از چارچوب قانون شرع و عرف باشد، رفتار جامعه چگونه است؟ مثل ازدواج سفید

در جامعه یکسری هنجارهایی هستند که ویلیام سامنر این‌ها را دسته بندی کرده است. هنجارهای است که از سوی قانون تعریف میشه و با واکنش شدیدی مواجه می‌شوند و یکسری برخورها با رفتارهای ترد گونه است که اینها معمولاً از عرف و دین و شرع بیرون می‌آیند و واکنش های بی‌اعتنایی که ممکنه باعث بشه از آداب و رسوم در بیاد.

در پرده بکارت بیشتر مسئله عرف و مسئله آداب و رسوم است تا قانونی. ما به لحاظ قانونی خیلی پیگیری‌های قانونی نداریم مگر اینکه در بحث روابط و چارچوب‌های زنا که این شرایط خاص خودش را دارد. وگرنه کسی نمی‌تواند برود به لحاظ قانونی بگه که حتماً باید گواهی مثلاً دخترانگی داشته باشید و قانونی نداریم. مجازات از سمت عرف و آداب و رسوم است که الان در مناطق مختلف و فرهنگ‌های مختلف کاملاً نگاهش تغییر کرده یعنی ما الان بحث ازدواج سفید را مطرح کردیم. خیلی از مناطق داخل تهران به گوش می‌رسد که دختر و پسر برای ازدواج رسمی نکردند ولی با هم زندگی می‌کنند. که تا چند سال پیش خانه‌های مجردی برای دختر یا پسر را نداشتیم ولی الان خونه مجردی برای دختران هم دیده می‌شود ولی فراگیر نیست. و معمولاً ما نسبت به این مسائل واکنش بدی نشان می‌دهیم و صورت مسئله هم چنین مسائلی را حذف می‌کنیم. بحث خود ازدواج سفید به لحاظ قوانین و مقررات واکنش دارد. ازدواج های غیر رسمی و اینکه دو نفر با هم در یک منزل ساکن باشند و روابط را داشته باشند و حتی نداشته باشند به لحاظ قانونی مشکل دارد. وقتی می‌خواهند یک خانه اجاره کنید، از شما شناسنامه را می‌خواهند برای ثبت اجاره نامه که معمولاً به این خاطر است که روابط افرادی که با هم توی خونه می‌خواهند بروند تا چک شود اما به این معنا نیست که بخواهند دنبال این خونه‌ها بروند و پیدا کنند و آنها را مجازات کنند. در بحث عرفیاتش و بحث شرعیات که حالا خیلی‌ها با آن مقابله می‌کنند و این رفتارها را ترد می‌کنند پرتنگ‌تر از بحث های قانونی آن است.

اینکه جامعه پذیرفته است یا نه؟ اطراف خودمان را نگاه کنیم. چند نفر از افرادی هستند که راحت بیان می‌کنند؟ هر زمان کسی راحت بتواند روابط پیش از ازدواجش و روابط هم خانگی و ازدواج سفیدش را آشکارا بیان کند و جامعه واکنشی نشان ندهند به این معناست که جامعه پذیرفته است. ولی به نظر من الان همچین حالتی نیست و کسی نیست که آشکارا مطرح کند. مگر در گروه‌هایی که مخصوص به خودشون باشد و گروه‌هایی که به این برتری دهند. مثلاً در اینستاگرام ببینیم. ولی اینکه چنین چیزی که در سطح جامعه و عرف جامعه پذیرفته شده باشه نه پذیرفته

نشده است.

## ۷. روابط قبل از ازدواج چه اثراتی روی زندگی مشترک او دارد؟

بستگی دارد به اینکه روابط قبل از ازدواج با همان فردی باشد که با او ازدواج می‌کند یا پیش از ازدواج رابطه داشته اند و آن را قطع کرده و با فرد دیگری ازدواج کرده باشد. که هر کدام از این‌ها متفاوت است.

در رابطه با این که چقدر در روابط بعد از ازدواج افراد تاثیر می‌گذارد، اینکه با فردی رابطه داشته باشد و بعد با همون ازدواج کند، چقدر صمیمیت آن‌ها در روابطشان تاثیر می‌گذارد، به نظریه عشق ناب گیدنز مراجعت می‌دهم. در رابطه با عشق ناب که یک بحثی را مطرح می‌کنند که جالب توجه است. البته به اینکه چقدر تو فرهنگ ما قابل استفاده باشد هم برمی‌گردد. در دوران سنتی نگاهی که به ازدواج بود براساس این بود که افراد قبل از ازدواج ارتباط و شناختی نداشته باشند. ما افراد زیادی را می‌شناسیم کسانی بدون اینکه همدیگر را هیچ وقت دیده باشند که ازدواج کردند و بر اساس این سنت و چارچوب‌ها و نهادهای جامعه پذیری که داشتند با هم زندگی می‌کردند و حتی زندگی‌های خیلی خوبی هم داشتند.

بعد از ازدواج براساس روابط یا عشق و علاقه به شکل گرفته و چارچوب‌ها و ساختارهایی که در جامعه بوده، این جامعه پذیری اتفاق افتاده که این‌ها را خوب نگه داشته است. حالا هر دلیلی که داشته زندگی‌های خیلی خوبی داشتند و روابطشان با هم حسنه بوده. البته خیلی افراد هم بودن که بر اساس همین سنت‌ها ازدواج کردند ولی روابط خوبی نداشتند و حتی شاید دچار طلاق عاطفی شده بودند. آن چیزی که بحث گیدنز است این است که آنچه در دوران سنتی بوده و ارزش‌های خاصی داشته براساس اخلاص و شرف و امثال این‌ها تحت تاثیر مدرنیته دیگه کنار گذاشته شده است اما چیزی که مهم شده وفاداری و درستی‌هایی هستند که توی روابط شکل می‌گیرد و آن چیزی که اهمیت دارد بحث عشق ناب است. عشقی که افراد براساس علاقه پیدا می‌کند و شادکامی که با همدیگه دارند. و براساس آن روابطشان را دنبال می‌کنند و اهدافشان و پی‌ریزی می‌کنند. آن چیزی که باعث می‌شود افراد پس از ازدواج بتوانند با هم روابط خودشان ادامه بدهند، این است که عشق ناب بین آن‌ها شکل گرفته باشد یا نه. اگر که شکل نگرفته باشد ربطی ندارد حتی پیش از ازدواج رابطه داشته باشند و بعد از ازدواج رابطه پیدا کنند. آن عاشق ناب باشه باهم خوب هستند.

اگر می‌خواهی بدونی که اگر کسی رابطه پیش از ازدواج داشته باشد ولی با یه نفر دیگه ازدواج کند چه اتفاقی می‌افتد؟ این موضوع در جامعه و بافت فرهنگی ما پیامد خوبی ندارد. چون این موضوع پذیرفته نیست. اثرات خودش را می‌گذارد. چون هر مساله هنجاری و اخلاقی و اجتماعی خیلی مرتبط با زمینه‌های خودش است. باید اون بسترها و زمینه‌های اجتماعی ارتباط را داشته باشند. ممکن است خیانت‌های زناشویی شکل بگیرد ولی همه این‌ها نیازمند

تحقیق بیشتری هست. اینکه ما بخواهیم یک نسخه کلی بنویسیم و بگوییم که هر کس پیش از ازدواج رابطه داشته باشد مسلماً رابطه بعد از ازدواج بدی یا خوبی خواهد داشت، قضاوت اخلاقی می‌شود که در بحث‌های جامعه‌شناسی من نمی‌گنجد.

## ۸. آیا بکارت توانست فرد از روابط خارج از ازدواج منع کند؟

اینکه بکارت بتواند روابط پیش از ازدواج را سر و سامون بدهد و مانع آن شود به نظرم نمی‌شود. مخصوصاً در این دوره جدید که بحث ترمیم بکارت و برگرداندن آن مطرح هست. آن چیزی که باعث می‌شود یک فرد بتواند به نداشتن روابط پیش از ازدواج معتقد باشد بحث اخلاقیاتش و رعایت ضوابط اخلاقی و چارچوب‌ها و قواعد آن است که بر اساس آن جامعه پذیر شده و آموزش دیده و آنها را درونی کرده است. خیلی به این ارتباطی ندارد که به خاطر اینکه دخترانگیش حفظ بشود، خودش رو حفظ کند. کسی که به زور و اجبار آن را حفظ کرده باشد خیلی توجیهی ندارد. خیلی مواقع در بحث همناوی و رعایت هنجارها، اگر عادت‌ها باشد و از راه درونی کردن نباشد، مسلماً یک اشکال و ایرادی بعداً پیدا می‌کند ولی کسی چارچوب‌های اخلاقی ر فتاری رو درونی کرده باشد مسلماً این که حالا دختر باشد یا نباشد تاثیری رفتارش نمی‌گذرد.

در رابطه با روابط بین زن و مرد و این بحث‌هایی که در روابط پیش از ازدواج مطرح کردیم، نظریه‌های خیلی جالبی هم هست. نظریه باومن درباره عشق سیالی این مسئله را بررسی می‌کند که زن و مرد‌ها تو این دوره روابط‌هایی که دارند با هراس همراه است. یک شکنندگی خاص خودش را دارد. از اینکه احساس کنند که این روابط برای طولانی مدت بخواهد باقی بماند و آنها را مجبور کند تا یکسری فشارها را تحمل کنند و آزادی‌هاشان را بگیرد، هراسان هستند. به همین دلیل تلاش می‌کنند تا روابط محکمی را نداشتند باشند. چون احساس می‌کنند اگر این روابط محکم بشود آنها را تحت فشار خودش قرار می‌دهد و آزادی آنها را سلب می‌کند. بیشترین تلاش آن‌ها روی داشتن یکسری روابط کوتاه مدت را بر اساس لذت است تا اینکه بخواهند یک سری مسائل و مشکلات و سختی‌ها را که توی روابط هست تحمل کنند. در جامعه جدید، ازدواج و روابط پیش از ازدواج تاثیر آن در زندگی آینده این افراد، چه روابط پیش از ازدواج را برقرار می‌کنند و چه تاثیری در روابط آنها دارد، خیلی مواقع کسانی که روابط پیش از ازدواج دارند و چارچوب‌ها را رعایت نمی‌کنند، بر اساس نظریه باومن، همان شکنندگی روابطشان و احساس سلب آزادی اصلاً ازدواج‌هایی را انجام نمی‌دهند. وقتی این روابط رواج یابد، به احتمال زیاد تمایل به ازدواج رسمی کاهش می‌یابد مثل کشورهای غربی. افراد سالیان سال یا هم زندگی می‌کنند و حتی بچه دار میشوند اما ازدواج رسمی نمی‌کنند. در جامعه ما، به ازدواج رسمی پایبند هستیم. ولی اینکه چرا کم شده دلیل آن هراسان و نگران کننده بودن است.

# وقتی داعیه‌داران حقوق زنان سکوت می‌کنند!

از کیوان امام تا شهید محمد محمدی

مهديه اسدالهي



از جمله مسائلی که از دوره قاجار به بعد میان سیاسیون و نخبگان ایرانی مطرح شد، مواجهه با تمدن مدرن غرب بود. تمدنی با هویت سکولار که به مرور بر سراسر جهان سیطره پیدا کرد. و با ارائه معانی جدید برای مفاهیم، دوگانه سنت و تجدد را در همه‌ی فرهنگ‌ها پرنرنگ نمود. نابرابری جنسیتی، فمینیسم و دیگر مفاهیمی که محصول عصر مدرن هستند. بر پایه اعتقاد به قرار گرفتن زنان در وضعیت فرودست و تلاش برای برابری در غرب شکل گرفت و برای مقابله با نظام‌های مردسالار در سراسر جهان گسترش پیدا کرد. طرد سنت به بهانه تجدد غربی به شیوه معمول قشر روشنفکران ایرانی تبدیل شد و مقابله با نابرابری‌های جنسیتی در ایران از درون از خود بیگانگی فرهنگی ایرانیان سربرآورد. باعث شکل‌گیری تصورات کاذب از فرهنگ ایرانی، ناشی از مقایسه با تمدن غرب گردید.

در پی این رویکرد روشنفکران مدافع حقوق زن، مفاهیمی چون غیرت، ناموس را مورد حمله قرار دادند. تا با انکار و تابوشکنی، مسیر را برای پذیرش بی‌چون و چرای فمینیسم رادیکال مهیا سازند. رویکردی که به اقتضای نگرش اومانیستی به جهان، خارج از حدود و محدوده الهی، تنها رأی انسان را ملاک تصمیم‌گیری می‌دانند.

امثال کیوان امام‌وردی از مدافعان حقوق زنان، سینه چاک آزادی‌های بی‌حد و حصر و خواهان مدرنیزاسیون ایرانی حاصل این نوع تفکر است. جریانی که با شعارهایی چون برابری و نه به تبعیض جنسیتی وجود چنین فجایعی را ناشی از سیستم مردسالارانه می‌داند. از جمله ارزش‌هایی که در طی سال‌های اخیر مورد تهاجم

واقع شده مقوله‌ی غیرت است، که ریشه در پاکدامنی فرد دارد و برای دفاع از حق و مظلوم نمود می‌یابد و نه عامل سلطه بر زنان بلکه به دلیل قدرت جسمانی در مردان به عنوان عاملی برای حمایت و حفاظت از خانواده کارکرد دارد. اما طی قرن‌های متمادی با خوانش‌های مردسالارانه تعبیر شده و با آمیخته شدن در عرف به عاملی برای سوء استفاده در مردان تبدیل گردیده است. و تا بدانجا که علامه طباطبایی در جایی گفته است: اسلام مسئله غیرت را باطل معرفی نکرده، بلکه اصل آن را حفظ نموده؛ زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام هم دین فطرت است؛ ولی در جزئیات آن، دخالت کرده و فرموده است: آن قدر از غیرت که مطابق با فطرت است، حق می‌باشد و شاخ و برگ‌ها که اقوام به آن داده‌اند، باطل است.

غیرت از جمله پدیده‌های اجتماعی است که ریشه در اعتقادات عمیق دارد و شهید محمد محمدی گواهِ این مدعاست. که غیرت و مردانگی علی‌رغم تمام حمله‌ها در معنای اصیل خود از بین نرفته و نه تنها موجب انقیاد زنان نیست بلکه غیرتمند در مقابل ظلم، بدعت و گناه حساسیت دارد. به گرفتاری‌ها و رنج‌های دیگران بی‌توجه نیست و ظلم ستیزی از ویژگی‌های غیرتمندان است.

به طور کلی تجدد وارداتی، چون ریشه در فرهنگ ملی ندارد نتایج مثبتی به بار نمی‌آورد و تبدیل ارزش‌های حق به ضدارزش به بهانه‌ی نابرابری از چاله به چاه افتادن است و این بدین معنا نیست که نابرابری وجود ندارد بلکه نقدی بر نحوه مواجهه با نابرابری‌ها و دیگر مسائل اجتماعی مشابه است.

# پشت پرده آبروداری

زهرا عباسیان



تعاریفی چون:

بکارت یعنی شرافت، بکارت یعنی حیا، پاکدامنی، نجابت، بکارت یعنی دختر، بکارت یعنی آبرو! باید پذیرفت که این گونه تعاریف مختص جوامع مردسالار است و جامعه ما از آن مبرا نیست. داستان کوتاهی که خواندید تنها گوشه ای از دردهای دختران نیست که مورد تجاوز قرار می گیرند و این درد روح و جسمشان را فرسوده می کند و جامعه به جای حمایت از آنها در بیشتر موارد قربانی را مقصر و بی آبرو می خواند و تلخ تر آن است که خانواده به جای در آغوش گرفتن و مرحم شدن بر دردشان، طردشان می کنند. باید دانست که اسلام حیا عفاف و پاکدامنی و نجابت را داشتن بکارت نمی داند.

حتی در ضمن عقد هم داشتن بکارت مطرح نمی شود. اما قوانین جامعه گویا بکارت را چنان مهم جلوه می دهد که در هنگام طلاق اگر به بکارت آسیبی نرسیده باشد مهریه نصفش تعلق نمی گیرد! و گاه دختران برای ثابت کردن نداشتن رابطه جنسی نیاز به گواهی پزشکی دارند که ثابت کنند بکارتشان سالم است.

گواهی بکارت نوعی خشونت علیه زنان است، چرا که ابزاری برای کنترل جسم زن است در حالی که به طور متقابل برای مردان وجود ندارد.

این ترس از دست دادن بکارت همواره با دختران است. بعضی از دختران تا حدی پیش می روند که حتی از پریدن هراس دارند که مبادا بکارتشان آسیبی ببینند. و مردان از ازاله بکارت نوعی احساس مردانگی می کنند. آیا واقعا بکارت، نداشتن رابطه جنسی را تضمین می کند می دانیم که تجربه جنسی صرفا معادل دخول نیست و نیز نوع پرده بکارت نیز در خونریزی دخیل است.

بیاموزیم نجابت، شرافت حیا و آبروی یک دختر در رفتار و کردارش پیداست نه در جسمش. قوانین را اصلاح و قربانی های تجاوز را حمایت کنیم. مردسالاری و خشونت علیه زنان کفایت.

(نه، بهم دست نزن، ولم کن عوضی. مامان، بابا کمک ...)

چشم هایش را گشود کنج اتاق بر روی سرامیک سرد نشسته، خواب رفته بود و باز هم کابوس آن روز نحس... تمام بدنش مانند همان روز می لرزید و عرق شرم می ریخت، دیگر از او اشکی نمانده بود که در این چند ماه نریخته باشد، ترس بر تمام وجودش رخنه کرده بود تنها با مهیب کوچکی در خود فرو می ریخت. تمام این مدت هر لحظه آرزوی مرگ می کرد دیگر رویاهای دخترانه و شیرین، افکار شبانه اش را پر نمی کرد، در سرش فقط صدای جیغ هایش، کمک خواستن ها، گریه هایش و بدتر از آن حرف های مادرش می چرخید.

(تو بی آبرومون کردی، بیچارمون کردی، تو مایه ننگ مایی. اگر فامیل بفهمه، تو رومون تف میندازن، وای خدا دردمو به کی بگم که دختر تو خونم، زن شده این چه بلایی بود خدا)

(مامان مگه دختر بودن منو بکارت تم تعریف می کنه که میگی دیگه دختر نیستم، من که گناهی نکردم) (خفه شو تو اگه می مردی بهتر بود، تو مقصری، تو بی عرضه ای که نتونستی از شرافتت محافظت کنی حتما کاری کردی که اومده سمت دختری بی حیا برو بمیر...)

کامش چون زهر تلخ بود، دیگر دلیلی برای زنده ماندن نمی یافت، آینده ای هم برایش نبود، قرص ها را یکی یکی می خورد و در این فکر بود که مرگ تنها روشنایی این روزهای تاریک خواهد بود.

پرده بکارت یک نوع پرده مخاطبی است که مثل حلقه ای مدور در اطراف دهانه واژن قرار می گیرد. در این که فلسفه وجودی این به اصطلاح پرده چیست، بیشتر دلیل ها مبتنی بر جلوگیری از ورود میکروب به اندام جنسی زنان است که هم به علت باز بودن و هم به علت نزدیک بودن به مجرای ادرار در معرض آلودگی ها قرار دارد.

این تعریف جامع و علمی از بکارت است؛ اما در برخی فرهنگ ها گویی تعاریف نابخردانه ای از آن ارائه می شود

## سرویس روانشناسی:



## سرویس فقهی - حقوقی:

### دوشیزگی و حقوقش



کوشیاریزی

نگاه اسلام به همه مسائل جامعه بشری نگاهی جامع است و در همه مسائل به نفع نوع بشر حکم کرده است. در مسئله دختر باکره و حقوق او هم اسلام همه زوایا و جوانب این قضیه را دیده است و اگر حکمی داده، بعد از دیدن جوانب بوده است.

لازم است در ابتدا به یک تعریف از دختر باکره در فقه پرداخته شود و سپس حقوق دختر باکره در اسلام تا حدودی تبیین شود.

در کتاب مختصر حقوق خانواده در تعریف دختر باکره این عبارت آمده است، ((باکره به دختری گفته می‌شود که بکارت او از راه مواقعه زایل نگردیده باشد و اگر بکارت دختر از طریق غیر مواقعه از بین برود چنین دختری باکره یا در حکم او محسوب است.))

منظور از راه مواقعه در این تعریف همان عمل ارتباط جنسی است که چه به صورت شرعی و چه به صورت غیرشرعی اگر دختری از این راه بکارت خود را از دست بدهد دیگر باکره نیست و اصطلاحاً او را ثیبه می‌نامند. و اما راه غیر مواقعه یعنی کارهایی مثل ورزش، پرش، عمل جراحی و ... که اگر باعث از دست رفتن بکارت در دختر

دخترک نگران و هراسان آمد نزد رسول اکرم: - یا رسول الله از دست این پدر...

+ مگر پدرت با تو چه کرده؟

- برادرزاده ای دارد و بدون آن که قبلاً نظرم را بخواهد مرا به عقد او در آورده است.

+ حالا که او کرده است تو هم مخالفت نکن، صحنه بگذار و زن پسرعمویت باش.

- یا رسول الله من پسر عمویم را دوست ندارم. چگونه زن کسی بشوم که دوستش ندارم؟

+ اگر او را دوست نداری هیچ، اختیار با خودت برو هر کس را دوست دوست داری به شوهری انتخاب کن.

- اتفاقاً او را خیلی دوست دارم و جز او کس دیگری را دوست ندارم و زن کسی غیر از تو نخواهم شد، اما چون پدرم بدون آن که نظرم را بخواهد این کار را کرده است عمداً

آمدم با شما سوال و جواب کنم تا از شما این جمله راه بشنوم و به همه زنان اعلام کنم از این پس پدران

حق ندارند سر خود هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند و دختران را به هر کس که دل خودشان می‌خواهد شوهر

دهند ...



باشوند، دختر همچنان باکره باقی می‌ماند.

با این بیان روشن می‌شود که دختر قبل از ازدواج اگر بکارت خود را به دلایل غیر از آمیزش جنسی از دست بدهد دوشیزگی و باکره بودن خود را از دست نداده است و اما ولایت پدر و جد پدری فقط با عمل موقع و از دست دادن بکارت باطل می‌شود.

در حکایت ابتدای یادداشت اشاره به حقوق دختر باکره شده است و اکنون دو مورد از این حقوق از تبیین می‌شوند. یکی از حقوق دختر باکره استقلال اقتصادی و مالی اوست. حقوق دختر در این باره با پسر برابر است. دختر یا پسر هر کدام اگر عاقل و بالغ باشند و همین‌طور اگر رشید باشند یعنی از نظر اجتماعی آنقدر رشد فکری داشته باشند که بتوانند به تنهایی مال خود را حفظ و نگهداری کنند در این صورت اسلام به هر دو استقلال اقتصادی داده است و باید ثروت آنها را در اختیار خودشان قرار بدهند. در این باره حقی از دختر ضایع نشده و پیرامون این حق از حقوق دختر باکره کمتر بحث و سوال ایجاد می‌شود. و اما یکی دیگر از حقوق دختر باکره حق انتخاب همسر و تصمیم‌گیری برای ازدواج است که حکم اسلام درباره اذن پدر برای ازدواج دختر باکره اینگونه است:

دختر اگر یک بار شوهر کرده و بیوه است در ازدواج بار دوم اجازه پدر برای او شرط نیست و دختر اختیار دارد خودش همسرش را انتخاب کند و از این نظر مانند پسر مختار است.

و اما دختر باکره و دوشیزه که هنوز ولایت پدر بر او است حتی اگر عاقل و بالغ و رشید باشد و به استقلال مالی هم رسیده باشد اجازه پدر برای ازدواج او شرط است، ولی تبصره هم وجود دارد و آن این است که اگر پدر بنابر غرضی مانع ازدواج دختر بشود و بهانه‌های پوچ بیاورد یا بخواهد دختر را به اجبار به عقد کسی که خودش دوست دارد دربیاورد، در اینجا دختر مختار است که خودش برای ازدواج خود تصمیم بگیرد و این نظر بین تمام فقههای اسلام مشترک است ولی اینکه اذن پدر برای ازدواج شرط است نظر بعضی از فقها است، نه تمام آنها.

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که دختری که عاقل و بالغ و رشید شده است و می‌تواند

به صورت مستقل به معامله‌های چند صد میلیونی دست بزند چرا نمی‌تواند در امر ازدواج به تنهایی و مستقل تصمیم بگیرد؟ آیا دختر باکره در این باره حقی را از دست نمی‌دهد.

و اما پاسخ: این حکم مثل سایر احکام اسلامی با دیدن همه جوانب طبیعت و فطرت دختر داده شده است و اگر از جنبه روانشناسی جنس مونث و مذکر به این مسئله بپردازیم پاسخ سوال روشن می‌شود.

از نظر روانشناسی، جنس مذکر خاصیت شکارچی گری دارد و مردان بنده شهوت هستند، اما جنس مونث مظهر لطافت است و زنان اسیر محبت هستند. بنابراین دو ویژگی در بین این دو جنس، بسیار امکان داردکه جنس مونث که خوش باور و تحت تاثیر احساسات لطیف است، به راحتی در دام شکار جنس مذکر بیفتد و بنابراین اسلام در جایی که دختر یکبار زندگی با مرد و جنس مخالف خود را تجربه کرده و بیوه است اجازه پدر را برای ازدواج شرط نمی‌داند زیرا آن دختر دیگر مردان را شناخته است. همینطور است در پسران که اذن پدر برای ازدواج آنها شرط نیست، زیرا پسران شکارچی اند و طعمه شکار نمی‌شوند و بسیار به دنبال شکاری لذیذ برای خود هستند.

ولی در دختر باکره‌ای که هیچ تجربه از زندگی با جنس مذکر را نداشته و امکان دارد به راحتی فریب سخنان محبت آمیز مرد را بخورد، اذن پدر که از جنس پسر است در ازدواج این دختر شرط است و لازم است پدر از دختر ریحانه‌ی خود که بسیار آسیب پذیر است در برابر آسیب‌های جنس مخالف محافظت کند.

پدر باید با شناخت از همجنس خود، از پشیمانی دختر که ممکن است بخاطر انتخاب احساساتی در آینده‌ی زندگی مشترک او پیش بیاید جلوگیری کند.

در اینجا مشخص می‌شود که نه تنها اذن پدر برای ازدواج دختر حقی را از دختر نمی‌گیرد، بلکه خودش می‌تواند یکی از حقوق دختر محسوب شود.

امید است که این دو حق یعنی حق استقلال مالی و اقتصادی و حق اجازه و نظرده‌ی پدر برای ازدواج دختر باکره، به خوبی در این یادداشت تبیین شده باشند و پاسخگوی برخی از شبهه‌ها و سوالات در این موارد باشند.

# بانور علم و ادب

## عظمت حضرت معصومه علیها السلام

**معرفی حضرت فاطمه معصومه (س) و تبیین جایگاه علمی و اثر گاری ایشان به عنوان دختر مسلمان**



زهرا رحمانی

محکم‌ترین دلیل برای شناسایی مقام معنوی حضرت معصومه علیها السلام، وصف مستقیم ائمه علیهم السلام نسبت به جایگاه ایشان می‌باشد. این معرفی از چند لحاظ مورد توجه است. اول اینکه از میان امام زادگان و اولاد مستقیم ائمه علیهم السلام، فقط در مورد زیارت ایشان سفارش و تأکید صورت گرفته‌است؛ به طوری که حتی از حدود سی و شش برادر و خواهر نیز، فقط ایشان توجه امام رضا علیه السلام، امام جواد (ع)، و امام صادق(ع) را به خود جلب کرده است؛ آن گونه که امام صادق(ع) با تجلیل از تولّد او خیر داده و ثواب زیارت توأم با معرفت او را بهشت معرفی نموده و شفاعتش را شامل حال تمام شیعیان دانسته است.

کتاب «تاسخ التواریخ» از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند، که فرمود: (( من زار المعصومهٔ بقم کمن زارنی؛ هر که معصومه را در قم زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده است.)) همچنین آنچه پدر بزرگوار حضرت آیهٔ الله العظمی مرعشی رحمة الله، یعنی سید محمود مرعشی بعد از توسل به امیرالمؤمنین (ع) جهت معرفی قبر حضرت زهرا علیها السلام از آن امام شنیده‌اند، در معرفی حضرت معصومه علیها السلام بسیار صریح و رساست. حضرت به ایشان در خواب فرموده بودند: «حضرت زهرا علیها السلام به من وصیت کرده تا قبر او را مخفی نگه دارم و من نمی‌توانم برخلاف وصیت ایشان عمل کنم؛ اما اگر خیلی دوست داری قبر ایشان را زیارت کنی، به قم و نزد قبر فاطمه معصومه علیها السلام برو که خداوند جلالت حضرت زهرا علیها السلام را به حضرت معصومه علیها السلام داده است.

امام صادق (ع) که در زمان حیات خود اسرار الهی را بسیار زیبا و با آرامش کامل و فرصت خوب بیان کرد و معارف را به فرهنگ انسانیت تزریق نمود، می‌فرماید: «تدخل یشفاعتها شیعتی الجنةٔ بأجمعهم؛ همه شیعیانم با شفاعت حضرت معصومه علیها السلام داخل بهشت می‌گردند.

در زیارت نامه آن حضرت نیز امام رضا (ع) این گونه به ما یاد داده‌اند که شفاعت در بهشت را از فاطمه معصومه علیها السلام طلب کنیم و عرض کنیم: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنةٔ فان لک عندالله شأناً من الشأن؛ ای فاطمه! برای من در بهشت شفاعت کن؛ چون تو نزد خدا دارای مقامات هستی.

شفاعت تمام شیعه، یعنی واسطه بودن فاطمه معصومه علیها السلام بین شیعیان و ائمه اطهار علیهم السلام، شأن حضرت معصومه علیها السلام یک منزلت و مرتبت ذاتی و جایگاه مستقر، ثابت و دارای اثر در مراتب عالم هستی است، تا آنجا که شعاع آثار آن در قیامت که آخرین صحنه تحلیل و افشای اسرار برتراست، دارای بازتابی بسیار بزرگ و وسیع می‌باشد و شخصیت این بانو به عنوان شافع تمام شیعیان آل محمد علیهم السلام جلوه‌گر می‌گردد. و منزلت او در زمان صعود و ورود به بهشت جاوید، منزلت کرامت الهی برای شیعیان است که برترین و برگزیده ترین منزلتهای بهشتی است. و او سرکرده تمام اهل بهشت و صاحب احسان اهل بیت علیهم السلام و درگاه و واسطه فیض چهارده معصوم علیهم السلام به شیعیان می‌باشد.

حضرت معصومه علیها السلام به عنوان یک شیعه کامل و عارف به

# بانور علم و ادب

## معرفی حضرت فاطمه معصومه (س) و تبیین جایگاه علمی و اثر گاری ایشان به عنوان دختر مسلمان

مقام ائمه علیهم السلام و کاملاً توانا برای تحمل اسرار سنگین ولایت از طرف آن حضرات مورد تأیید قرار گرفته است و او را نه به عنوان یک شیعه کامل و واصل و عارف به شأن و مقام ائمه علیهم السلام، که به عنوان جان خویش و شبیه خویش و کسی که شناخت او برای دیگر شیعیان واجب است و ولایت او خود شیعه پرور می‌باشد و شفیع همه شیعیان است، معرفی نموده‌اند.

همچون حضرت زهرا علیها السلام بر عصمت او نیز تأکید شده و لقب معصومه برای او صریحاً انتخاب شده است، با آنکه نام او فاطمه است.

جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام و انوار خلق شده از نور او یعنی سادات و ذریه او در اوّل و آخر عالم آفرینش، جایگاهی بس بلند و منزلتی بسیار متعالی است و مقام و نورانیت آنان تا آنجا است که نور سیادت آنان می‌تواند در ابتدا و انتهای خلقت، از اولین و آخرین تمام ظلمت‌ها را برطرف سازد.

حضرت معصومه(س) از جمله بانوان گران‌قدر و والامقام جهان تشیع است و مقام علمی بلندی دارد. نقل شده که روزی جمعی از شیعیان، به قصد دیدار حضرت موسی‌بن جعفر(ع) و پرسیدن پرسش‌هایی از ایشان، به مدینه منوره مشرف شدند. چون امام کاظم(ع) در مسافرت بود، پرسش‌های خود را به حضرت معصومه(س) که در آن هنگام کودکی خردسال بیش نبود، تحویل دادند. فردای آن روز برای بار دیگر به منزل امام رفتند، ولی هنوز ایشان از سفر برنگشته بود. پس به ناچار، پرسش‌های خود را باز خواستند تا در مسافرت بعدی به خدمت امام برسند، غافل از این‌که حضرت معصومه(س) جواب پرسش‌ها را نگاهشته است. وقتی پاسخ‌ها را ملاحظه کردند، بسیار خوشحال شدند و پس از سپاسگزاری فراوان، شهر مدینه را ترک گفتند. از قضای روزگار بین راه با امام موسی‌بن جعفر(ع) مواجه شده، ماجرای خویش را باز گفتند. وقتی امام پاسخ پرسش‌ها را مطالعه کردند، سه بار فرمود: پدرش فدایش.

لازم است دختران جامعه اسلامی ایران حضرت معصومه (س) را سرمشق زندگی قرار دهند و خانواده ها نیز بایستی به دختران محبت و توجه ویژه داشته باشند.

با وجود سطحی بودن معرفت و شناخت عموم مردم نسبت به مقام و جلالت حضرت معصومه علیها السلام می‌بینیم که دلها و در پی آن سیل جمعیت زائران به سوی قم، باشکوه خاصی روان است.

گویی دلها بی هیچ حرف و حدیثی، عهد آشنای میثاق کریمه اهل بیت علیهم السلام از ابتدای عالم وجودند. دست تدبیر، اراده‌ای حاکم بر اراده های کوچک افراد بشری است؛ اراده‌ای کل که تمام خلائق را در دست دارد و دلها را به سوی کانون‌های قدس و جلال و به سوی حریم حرم حُرمت و احترام می‌کشاند و همچون گردش افلاک، دلها مشتاقانه و ناخواسته اسیر جذبه آن کشش ذاتی و قاهر می‌باشند.

با توجه به روح و جان عموم جامعه شیعه و شکوه گرایش و هجرت زائران حضرت معصومه علیها السلام به قم پی می‌بریم که واقعاً خداوند جلالت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به ایشان عطا فرموده است. حرم حضرت معصومه علیها السلام نه مثل یک زیارتگاه امامزاده، بلکه همدوش تمام حرم‌های معصومین علیهم السلام و هم افق درخشش حرم آنان در جان و دل و فرهنگ جامعه شیعی تابیده است.

# قربانیان بی صدای زنا

تجاوز و نحوه اثبات تجاوز از منظر حقوقی



زهرا طاهرزادگی

تجاوز، جرم خشونت بار که همیشه در طول تاریخ وجود داشته؛ که در بیشتر مواقع با عنف همراه بوده است چون کمتر فرد دارای عقل سالم با میل و رضا خود اجازه می‌دهد تا حقی از او تضییع و پایمال شود.

در گذشته تجاوز معنای محدودی داشت و پیش فرض، رابطه بین مرد و زن بود و بزه دیده همیشه زن بود ولی امروزه شاهد انواع تجاوز هستیم.

یعنی در گذشته بزه دیده می‌توانست زن یا مرد باشد ولی بزه‌کار حتماً باید مرد می‌بود ولی امروزه هر فردی با هر جنسیتی می‌تواند مباشر جرم تجاوز باشد.

یا در جوامع پیشرفته وجود علقه زوجیت بین زن و مرد دیگر معنی تجاوز به عنف را نداشت ولی امروزه شوهر می‌تواند به علت ارتکاب تجاوز به عنف علیه همسرش تحت تعقیب قرار بگیرد ولی در حقوق ایران نمونه‌هایی از محدودیت در حدود تجاوز به عنف را مشاهده می‌کنیم. مانند اینکه صرف وجود علقه زوجیت بین زن و مرد دیگر اثبات تجاوز از سوی مرد علیه زن بی‌معنی است.

در گذشته تجاوز به معنی آمیزش بدون رضایت بوده است ولی امروزه هرگونه دخول بدون رضایت دلالت بر تجاوز به عنف دارد و از همه مهم‌تر تجاوز به عنوان جرمی علیه اشخاص شناخته شده است.

در ایران مطابق حقوق خانواده و قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و نظر شارع مقدس پیشرفت‌های مذکور به طور مطلق مسیر ورود به نظام حقوقی ما را پیدا نکرده است. هنوز نمی‌توان حق بزه دیده را به صورت مطلق تأمین کرد.

در نظام حقوقی ایران مساحقه، زنا و لواط مورد پذیرش قانون‌گذار و شارع در تقسیم انواع تجاوز بوده است. در هر نظام حقوقی زنا به عنف جرم انگاری شده است و مجازاتی بر آن در نظر گرفته شده است.

زنا به عنف و ادله اثبات آن

مطابق ماده ۲۲۱ ق.م. زنا توسط قانون‌گذار تعریف شده است:

زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.

تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود.

تبصره ۲- هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود.

و زنا به عنوان یکی از جرائم حدی شناخته شده است. که مجازات آن را شارع تعیین کرده است و دادگاه نمی‌تواند میزان و شرایط مجازات حدی را تغییر دهد.

به طور کلی مجازات زنا اعدام است از آنجایی که تمام افراد در برابر قانون یکسان و مساوی هستند مجازات هم به صورت یکسان بر افراد تحمیل می‌شود.

مطابق ماده ۲۳۱ ق.م.ا (بخش حدود) در موارد زنا به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.

مشاهده می‌کنیم که قانون‌گذار جرم زنا و زنا به عنف را بیان کرده است و مجازاتی برای آن در نظر گرفته است، ولی از آنجایی که هر جرمی برای اثبات نیاز به ادله مناسب دارد امر محمل در طرح دعوی علیه زانی شیوه و طرق اثبات دعوی است.

اثبات زنا از طریق اقرار، شهادت، علم قاضی و در برخی موارد گواهی پزشکی ممکن است.

در کلیه جرائم یک بار اقرار بزه کار کافی است ولی مطابق ماده ۱۷۲ ق.م.ا در کلیات در زنا، زانی باید چهار بار اقرار کند در غیر این صورت مجازات او به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ تقلیل می‌یابد.

البته به ندرت زانی به عمل منافعی عفت خود اقرار می‌کند و در صورت عدم شاکی خصوصی قاضی اصرار بر پوشانیدن جرم و عدم اقرار دارد. (تبصره ۱ ماده ۱۰۲ ق.آدک) پس طبق ماده ۱۰۲ ق.آدک قانون‌گذار محدودیت‌هایی بر اقرار بدوی متهم ایجاد کرده است.

و در ادله شهادت قانون‌گذار شرایط سخت و پیچیده‌ای را پیش‌بینی کرده است. حضور ۴ شاهد عادل مرد یا ۳ مرد و ۲ زن که شاهد عینی ماجرا باشند. که مسلماً هیچ زنا به عنفی با توجه به تعریف زنا در قانون در منظر عمومی و حضور ۴ فرد عاقل و عادل انجام نمی‌شود. پس علناً قانون‌گذار راه را بر شیوه اثبات شهادت بسته است.

ادله دیگر علم قاضی است که قاضی موظف است شرایط و ویژگی‌های رابطه دوفرد، آشنایی و رابطه قبلی و سایر شرایط ارتباط را بررسی کند و اعلام به زنا به عنف انجام دهد، مانند بازجویی از متهم و یا پرسش از بزه دیده. که گاه قاضی دوستی و آشنایی بزه‌کار و بزه دیده را دلیل بر رضایت طرفین می‌داند. چنین شیوه‌ای چون قطعی نیست تأمین‌کننده مطلق حقوق بزه دیده نیست.

گواهی پزشک قانونی می‌تواند ادله‌ای برای اثبات زنا باشد ولی قاضی زمانی که علائم ضرب و جرح در گواهی صادر شده باشد، متهم را به زنا به عنف محکوم می‌کند در صورتی که بسیار مواقع متهم قربانی را تهدید به قتل یا آسیب می‌کند و تجاوز بدون هیچ علائم و آسیب جسمی در بدن فرد اتفاق می‌افتد.

نحوه رسیدگی به شکایت از متهم در جرم زنا به عنف

طبق ماده ۱۰۲ ق.آدک:

انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافعی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود. تبصره ۱- در جرائم منافعی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

مشاهده می‌شود در ماده ۱۰۲ ق.آدک تعقیب و تحقیق توسط بازپرس امکان ندارد مگر اینکه در منظر عمومی انجام شده باشد که این شرط در ادله شهادت توضیح داده شده بود.

باتوجه شواهد و قرائن موجود قانون‌گذار به سختی زنا به عنف را اثبات می‌کند و متهم را محکوم به عمل زنا می‌کند.

نمونه‌ای از اثبات عمل زنا و محکومیت زانی را در شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان مشاهده می‌کنیم که از ۴۰۰ ارجاع حدود ۱۹۵ ارجاع مربوط به شکایت زنا به عنف بوده که تنها ۲ نفر محکوم به اعدام شده‌اند. که آن دو هم به دلیل مشهور بودن و پرواضح بودن عمل زنا بوده است و قانونگذار مجبور به اثبات و محکومیت شده است. (ماجرای تجاوز زنجیره‌ای باغ خرمالو)

نتیجه‌ای که از تحقیقات انجام شد می‌توان گرفت این است که زنا به عنف در تمام ادوار تاریخی وجود داشته و هر نظام حقوقی آن عمل را جرم‌انگاری کرده است ولی صرف جرم‌انگاری و بیان جرم و مجازات کافی نیست بلکه باید در جنبه اثبات و محکومیت هم اقداماتی انجام شود و پیشرفت‌هایی در خصوص ادله اثبات و نحوه رسیدگی در این نوع جرائم صورت بگیرد. تا حقوق قربانی به صورت کامل احقاق شود. در کنار مجازات و تأمین حقوق قربانی او نیازمند حمایت روحی و روانی و مادی و جسمانی است که بهتر است نهادهای عدالت کیفری از زنان حمایت کند مثل ارجاع به مراکز مشاوره و روان‌درمانی، یا برآورده کردن نیازهای زن برخورد مناسب با قربانی و ابراز هم‌دردی با او که نیروی انتظامی و اوژانس اجتماعی و مراکز بهداشت و درمان می‌تواند در این زمینه گام‌های مثبتی بردارند.

به امید شکستن قفس سکوت زنان قربانی زنا



## با اجازه پدرم، بله بررسی اجازه پدر برای ازدواج دختر باکره



میرزا رحمتیان

مستند قانونی اجازه پدر برای ازدواج دختر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی است: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون عذر موجه از دادن اجازه مضایقه کنند، اجازه ی او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهتری که بین آن‌ها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص، به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. به دلیل اینکه تنها نکاح دختر بالغه‌ی باکره موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است؛ اگر دختر باکره یک بار شوهر کرده و قبل از نزدیکی از او جدا شده باشد، برای ازدواج دوم نیاز به ولی دارد.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا دختری که به علتی غیر از مواقعه مانند: ورزش یا عمل جراحی و نظایر آن پرده‌ی بکارت او زائل شده باشد، باکره یا در حکم آن محسوب می‌شود یا نه؟

قانون مدنی در این مورد ساکت است؛ اما با توجه به منابع فقهی، باکره به دختری گفته می‌شود که بکارت او از راه مواقعه زائل نشده باشد و اگر بکارت دختر از طریق غیر مواقعه از بین برود، چنین دختری باکره یا در حکم او محسوب می‌شود. البته در حکم باکره بودن چنین دختری از عدم انتفاء ولایت پدر یا جد پدری است. اما زوال بکارت با وطنی و غیر وطنی محقق

خواهد شد. اما اگر بکارت با مواقعه زائل شود، ولایت پدر و جد پدری ساقط است.

حدود اجازه: از آنجا که دخالت در امر ازدواج دختری که به سن بلوغ و رشد رسیده و به دیگر سخن ولایت بر او در ازدواج امری بر خلاف اصل است، قانون‌گذار به تبعیت از فقه امامیه حدودی برای آن قائل شده است:

۱. فقط پدر و جد پدری دارای چنین اختیاری هستند و موافقت یکی از آن‌ها برای ازدواج کافی است. اگر پدر یا جد پدری به علتی محجور و تحت قیمومیت باشد، اجازه شخص دیگری مانند قیم لازم نخواهد بود. اگر پدر یا جد پدری فوت کرده باشند، دختر مکلف به کسب اجازه از شخص دیگری نیست. حتی در صورتی که پدر یا جد پدری غایب باشند، به نحوی که تحصیل اجازه امکان نداشته باشد یا موجب مشقت شدید باشد، با توجه به عقیده فقهای امامیه دختر حق دارد آزادانه ازدواج کند.

۲. اجازه پدر و جد پدری فقط در مورد ازدواج دختری لازم است، که باکره باشد.

در مبحث ولایت پدر و جد پدری در ازدواج دختران، چند مسئله مورد اتفاق است:

۱. شکی نیست که ولایت پدر و جد پدری نسبت به دختر صغیره، یعنی دختری که به سن بلوغ و حد رشد نرسیده است، ثابت است.

۲. همچنین شکی نیست که ولایت پدر و جد پدری نسبت به دختر کبیره غیر رشیده یعنی دختری که به سن بلوغ رسیده ولی به حد رشد نرسیده، نیز ثابت است.

۳. دختری که به حد بلوغ و رشد رسیده و ثبیه است؛ یعنی در اثر ازدواج و نزدیکی بکارتش از بین رفته، برای ازدواج مستقل است و اجازه ولی در ازدواج او نقشی ندارد. درخصوص این مسئله، تنها حسن بن عقیل است که ولایت پدر و جد را باقی می‌داند و صاحب کتاب فقه رضوی نیز قائل به عدم استقلال ثبیه در نکاح دائم می‌باشد.

اختلاف نظر در مورد دختری است که هرچند به سن بلوغ و رشد رسیده اما هنوز باکره است، اگر چنین دختری بخواهد ازدواج کند، در مورد چگونگی نقش ولی در ازدواج او اقوال متعددی است: ۱. دختر همچنان تحت ولایت پدر و جد پدری است و ولی می‌تواند مستقلاً دختر باکره رشیده‌ی خود را به عقد ازدواج دیگری درآورد. شیخ طوسی(ره) در کتاب خلاف و کتاب نهاییه این نظریه را پذیرفته است. صاحب حدائق هم این نظریه را انتخاب کرده است.

۲. پدر و جد پدری ولایتی بر باکره رشیده ندارد و خودش مستقلاً می‌تواند اقدام به ازدواج کند. بنابراین اگر پدر یا جد پدری بخواهند او را به عقد کسی درآورند باید از او اجازه بگیرند. این قول از قرن چهارم تاکنون در بین فقها مطرح بوده است و فقهای بزرگی مثل شیخ طوسی در کتاب المیسوط و بسیاری دیگر از فقها قائل به این نظریه هستند.

قائلین به این قول دختر بالغه‌ی رشیده را در امر ازدواج، مستقل و ولایت ولی را ساقط می‌دانند و اجازه ی او را شرط صحت نکاح نمی‌دانند. در رابطه با این قول، گفته شده است: کسی که به سن بلوغ و رشد رسیده، می‌تواند هرگونه معامله‌ای را انجام دهد و هر قراردادی را منعقد سازد و در اعمال و اقوال خود اختیار کامل دارد، و نمی‌توان گفت کسی که در همه امور و معاملات می‌تواند دخالت و تصرف نماید، صرفاً به این جهت که هنوز باکره است و شوهر نکرده، در عقد ازدواج مختار نباشد و اجازه‌ی ولی در صحت عقد نکاح او شرط باشد. لذا عده‌ی زیادی از فقها این ولایت را قبول ندارند و فقهای هم که اذن ولی را شرط می‌دانند، عمدتاً مطلب را به صورت احتیاط واجب بیان کرده‌اند که در ذیل

(تشریک در اذن) به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳. تشریک در ولایت یعنی لزوم اذن ولی و دختر در عقد نکاح؛ به این معنی که صحت نکاح مشروط به رضایت هر دو می‌باشد.

در نظر اکثر فقها از لحاظ فتوا و صناعیت استنباط، نظر قوی تر همان استقلال دختر بوده است و در نظر برخی فقها علت احتیاط و لازم دانستن اجازه پدر روایاتی است که از ائمه معصومین(ع) وارد شده و مشعر بر این است که دختر باکره نباید بدون اذن پدرش ازدواج کند و یا امر ازدواج دختر به دست پدر است، و یا باوجود پدر دختر را اختیاری نیست و در مورد این روایات، گفته شده است: مقصود از این روایات این است که بسیار پسندیده و مطلوب است که دختر از نظر پدر خود متابعت کند. خودرأیی و توجه نکردن به نظر پدر مکروه و ناپسند است. برخی از فقها نیز تشریک در اذن را به عنوان فتوا بیان کرده‌اند.

۴. در ازدواج موقت دختر مستقل است و نیازی به اجازه ولی ندارد، اما در عقد نکاح دائم اجازه ولی لازم است. ابن حمزه در کتاب وسیله قائل به این قول است و شیخ طوسی این نظریه را در روایتی نقل می‌کند.

۵. عکس نظر فوق این است که دختر در عقد دائم، مستقل است؛ اما در ازدواج موقت اجازه ولی لازم است. این نظریه را محقق حلی در شرایع اسلام ذکر کرده اما قائل آن مشخص نشده است.

۶. هریک از پدر و دختر مستقل بوده و عقد هرکدام از آن‌ها بدون اذن دیگری نافذ است. بنابراین اگر دختر بدون رضایت پدر ازدواج کرد عقد او صحیح است، منتهی پدر می‌تواند عقد او را نقض کرده و به هم بزند، البته احراز رضایت هردو مستحب است.

در نتیجه از نظر قانونی دختر باکره بالغه رشیده برای ازدواج به اذن پدر یا جد پدری نیاز دارد. و اگر پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه‌ی او ساقط است و دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند پس از اخذ اجازه از دادگاه ازدواج کند.

از نظر فقهی، در نظر اکثر فقها، نظر قوی تر همان استقلال دختر است و علت لازم دانستن اجازه پدر روایاتی است که از ائمه‌ی معصومین وارد شده است؛ اما بنا بر احتیاط واجب باید اجازه پدر را بگیرد.



## نقد فیلم هفت و نیم

فریبا بیخ‌پوش



دردناک است. پرداختن کارگردان به مشکلات افراد تراجنسیتی نیز ارزشمند است. نمایش فردی به ظاهر دختر که وجودی مردانه دارد ولی به خاطر حفظ آبروی خانواده باید لباس عروسی بر تن کند. فردی که نه حمایت مادر را دارد و نه پشتیبانی پدر. سرزنش می‌شود برای موضوعی که هیچ حق انتخابی در قبالش نداشته است. تلاش‌هایش برای مراجعه به پزشک و قانع کردن خانواده‌اش بی‌نتیجه می‌ماند و باید از این به بعد به صورت قانونی مورد تجاوز جسمی و روحی قرار بگیرد. موضوع دیگری که در این اثر به آن اشاره شده است ازدواج اجباری دختران در سن کم است. در آخرین اپیزود شاهد ماجرای دخترچه‌ی گلفروشی به نام شکر هستیم که نان‌آور خانواده است. پدر شکر در قمار همه چیزش را می‌بازد و تصمیم می‌گیرد روی دخترش شرط ببندد که البته بازی را به پیرمردی به نام سرور می‌بازد و باید پای حرفش بماند. جمعه فرا می‌رسد و مسیر زندگی تمام این دختران عوض می‌شود. صحنه‌هایی غم‌انگیز که قطعاً دردناک‌ترینشان تصویر دختری خردسال است که روی صندلی عقب یک خودرو کنار پیرمردی نشسته است.

بخش پایانی فیلم حرف‌های زیادی دارد. زیر آسمان همین شهر و در همین لحظه دخترانی مورد تجاوز قرار می‌گیرند که هرگز نمی‌توانند با کسی از این رنج سخن بگویند. عده‌ای خودکشی می‌کنند، عده‌ای تلاش می‌کنند جسمشان را ترمیم کنند و با روحی آسیب‌دیده به زندگی ادامه دهند. عده‌ای نتوانسته‌اند خانواده‌شان را قانع کنند آنطور که به نظر می‌رسند نیستند و مجبورند تا آخر عمر با هویتی جعلی زندگی کنند و هر لحظه زجر بکشند. مردی برای پول روی دخترش قمار می‌کند و دختری تصمیم می‌گیرد به زندگی‌اش پایان دهد چون فکر می‌کند مایه‌ی شرمساری و سرافکندگی خانواده است. قطعاً بهترین بخش فیلم سکانس پایانی آن است کارگردان به خوبی نشان داده است این مسائل آنقدر عادی شده‌اند و همیشه اتفاق می‌افتند که هیچ‌کس هیچ اهمیتی نمی‌دهد. فیلم پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به اثری ماندگار داشت اما صد حیف که کارگردانی و شخصیت‌پردازی ضعیف آن را تبدیل به اثری سطحی کرد.

فیلم «هفت و نیم» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی محصول سال ۱۳۹۹ ایران است. این فیلم با استفاده از بازیگرانی چون ندا جبرائیلی، فرشته حسینی، هستی مهدوی، علیرضا کمالی‌نژاد، محمدرضا غفاری، آناهیتا افشار، حسین مه‌ری و علیرضا استادی به مسائل و مشکلات جنسی دختران ایرانی و افغانستانی می‌پردازد. «هفت و نیم» ماجرای هفت دختر را در هفت اپیزود روایت می‌کند که با مسائلی از قبیل تجاوز، ارتباط جنسی در گذشته، جنسیت، فقر، تلاش برای مهاجرت و ازدواج اجباری دست و پنجه نرم می‌کنند. دخترانی که قرار است روز جمعه ازدواج کنند یکی به میل خویش و یکی با اجبار.

نقد‌های فنی را می‌سپاریم به متخصصین این حوزه. در اینجا سعی می‌کنیم از نگاه مخاطب این اثر را بررسی کنیم. به عنوان تماشاگر این فیلم اولین نکته‌ای که توجهم را جلب کرد. استفاده‌ی کارگردان از کلیشه‌ها بود. اثری که تلاش می‌کند مشکلاتی را که فرهنگ و باورهای اشتباه برای دختران و زنان ایجاد کرده را مطرح کند خود در دام کلیشه‌ها افتاده و تصویرگر مردانی مستبد است که خودشان را صاحب زنان می‌دانند و با اعمال خشونت زندگی را به کام آنها تلخ کرده‌اند.

تماشای این فیلم بیشتر شبیه ورق زدن یک روزنامه و خواندن تیترهای بخش حوادث است. اطلاعاتی سطحی در هر اپیزود به دست می‌آوریم اما به گونه‌ای نیست که بتوانیم با شخصیت داستان احساس همدردی کنیم. گزارش دادن وظیفه‌ی اخبار و نشریات است، رسالت هنر چیز دیگریست. هنر سخن نمی‌گوید که بدانی، می‌گوید که آگاه شوی.

از این‌ها گذشته اما موضوعاتی که کارگردان انتخاب کرده است مهم و حیاتی‌اند. بکارت، تجاوز، ازدواج اجباری دختران خردسال و چالش‌هایی که افراد تراجنسیت با آن‌ها رو به رو هستند. جامعه‌ای که در فیلم نمایش داده شده است تصویر واقعی جامعه‌ی ماست؛ فرهنگی که در همه حال زنان را مقصر می‌داند. حتی اگر دختری خردسال بوده باشی که در بیابان مورد تجاوز چند مرد قرار گرفته است، باید ساکت بمانی چون اگر حرفی بزنی تضمینی وجود ندارد انگشت اتهام را به سمتت بگیرند. دیدگاهی که زندگی بسیاری را به نابودی کشانده و متجاوزان را نیز جسورتر کرده است. تماشای تلاش و اضطراب دختران برای ترمیم پرده‌ی بکارت درحالی‌که هیچ گناهی مرتکب نشده‌اند

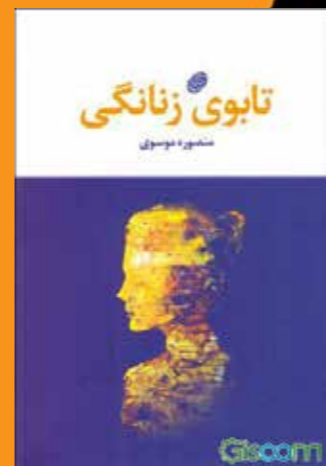


## سرویس فرهنگ و هنر:





## سرویس فیزیولوژی:



## زنان بدن خویش را شخصا مدیریت می کنند

یادداشتی در مورد کتاب تابوی زنانگی

ریحانه السادات وحیدی



آداب و رسوم، هنجارها، قواعد و قوانین و ... پیچیده شده است که به سختی می‌توان از زن یا مرد مطلق سخن گفت. از سوی دیگر، جامعه ایران با ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی خاص خودش که گاه بر مدرنیته تکیه می‌زند و گاه بر سنت ها، زنان و مردان را به بند بازانی مانند کرده است که باید بتوانند به سلامت از خط مابین سنت و مدرنیته بگذرند ...» خانم منصوره موسوی در «تابوی زنانگی» به بررسی مواردی پرداخته که در جامعه مورد سوءاستفاده قرار گرفته مانند: بدن و نیازهای فیزیولوژیک زنان در امور اجتماعی و فرهنگی و همچنین محدودیت‌هایی که به دلیل جنسیت آنها در مسیر پیشرفتشان قرار گرفته و باعث از خودبیگانگی آنها شده است.

به عقیده‌ی اینجانب در کل کتاب‌ها پر هستند از مطالبی که برای روح و روان ما انسان‌ها غذاهای متنوعی دارند؛ بعضی‌ها ویتامین هستند و بعضی دیگر شکلات و بیسکویت، بعضی هم تنقلات اند. از نظر من «تابوی زنانگی» جزئی از دسته‌ی میوه‌ها به حساب می‌آید؛ شاید این جمله برایتان جالب بود، اما حسی را که به من منتقل کرد، همانند حسی بود که هنگام خوردن یک نارنگی در من به‌وجود می‌آید.

آیا خواندن این کتاب را پیشنهاد می‌کنم یا خیر؟ واقعیت را که بخواهم بگویم، من فکر می‌کنم خواندن این اثر تنها برای افرادی جالب و لذت‌بخش خواهد بود که زن هستند. خوب چون فقط آنها می‌توانند جملات و نظریه‌های بیان شده و مفاهیم این کتاب را بفهمند و درک کنند!

البته این حرف من بدین معنا نیست که آقایان نمی‌توانند بخوانند؛ ولی خوب باید این مسئله را هم باید در نظر بگیرند که آیا حوصله‌ی خواندن این کتاب را تا انتها خواهند داشت؟ خوشبختانه قلم نویسنده آنقدر روان و شیواست که می‌توانید با خیالی آسوده مطالعه‌ی کتاب را شروع کنید. اگر علاقمند به مطالعه حول محور زنان و زنانگی هستید می‌توانید همین حالا دست به کار شده و کتاب را تهیه کنید. صفحه به صفحه با قلم خانم منصوره موسوی همراه شوید.

امروز قرار است که باهم یکی از آثار خانم منصوره موسوی را مرور کنیم و ببینیم که آیا خواندن این کتاب را به زنان پیشنهاد می‌کنیم یا خیر؟ البته این را هم مد نظر داشته باشیم که، من نقاد نیستم و از دید خودم به عنوان جنس زن کتاب را مطالعه کرده‌ام و آنچه که برداشت شخصی‌ام بود را به قلم تحریر درآورده، تا یک معرفی‌نامه کوچکی از کتاب را خدمت شما عزیزان ارائه نمایم.

و اما بررسی اثر خانم منصوره موسوی که امروز در موردش صحبت می‌کنم، کتاب «تابوی زنانگی» است. این کتاب در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات مروارید به بازار عرضه شد. در مقدمه و سخنان آغازین کتاب، نویسنده می‌گوید: «وقتی نوشتن کتاب را شروع کردم و در ابتدای مصاحبه‌هایم با زنان بودم، اهمیت و گستردگی آن را تا حدی که بعدا با آن روبرو شدم، تصور نمی‌کردم. وقتی صدای زنان را ضبط می‌کردم، انگار صدایی به صداهای جهان اضافه شده بود. غلو نمی‌کنم، این‌ها صدای زنانی بود، که هر کدام نمونه خاص خودشان بودند، ضمن این که از درد مشترکی سخن می‌گفتند؛ زن بودن. وقتی ضبط را روشن می‌کردم تا دوباره به صداها گوش کنم و گفتگوها (مصاحبه‌ها) را به روی کاغذ بیاورم، این صدای زنان بود که به گوش می‌رسید. صداهایی که گاه دلم را می‌لرزاند و اشک به چشمانم می‌آورد و صداهایی که گاه به من قوت قلب می‌داد. آنها ضعیف بودند، شکننده بودند، شکست خورده بودند، قوی بودند، ایستاده بودند، ساخته بودند، فرار کرده بودند، عشق ورزیده بودند، و ... نمی‌خواستیم این صداها خاموش شوند. می‌خواستیم شنیده شوند. می‌خواستیم جامعه را از چشم اندازی زنانه تفسیر کنم. این که زنان معنای زندگانی خود را چگونه درمی‌یابند و موقعیت خود را به عنوان یک انسان چگونه تجربه می‌کنند و می‌زیند؟

بر این باورم که یکی از وظایف مهم جامعه‌شناسی درک و دریافت تجربه افراد از بدنشان در جامعه است. بدن و بویژه بدن زن آن قدر در تاروپود ذهنیات و عینیات اجتماعی، باورها،



## در باب هایمن و باورهای غلط پیرامون آن

هایمن یا پرده بکارت مسئله‌ای فیزیولوژیکی است که با برخی خرافات و باورهای غلط همراه شده است. برای زدودن این باورهای غلط باید از فیزیولوژی بدن زنانه به صورت علمی سخن گفت.



اهم البین وکیل زاده

ما در نشریه حوا پس از مدت‌ها به این نتیجه رسیدیم که این نشریه نیازمند بخش فیزیولوژیکی برای آگاهی‌رسانی در مورد بدن زنانه است زیرا بدن زنانه با مسائل مختلفی همچون قاعدگی، زایمان، یائسگی و سرطان‌هایی از جمله سرطان سینه و سرطان دهانه رحم و سایر بیماری‌های مخصوص زنان روبرو است و این مسائل هر کدام به صورت جداگانه بررسی‌های مرتبط و علمی خود را می‌طلبند. پرواضح است که هیات تحریریه نشریه حوا قصد اشاعه اعمال خلاف عفت عمومی یا جریحه دار کردن افکار عمومی را ندارد و صرفاً با هدف ترویج آگاهی‌رسانی سعی بر گفتن حقایق و واقعیت‌های علمی و روشن نمودن مسائل در حوزه زنان داشته و دارد. اولین مطلبی که در بخش فیزیولوژیکی با توجه به موضوع این نشریه گنجانده شده، مطلبی در مورد پرده بکارت و مسائل مرتبط با آن است. باشد که مورد توجه قرار گیرد و قدمی در جهت روشنگری و ممانعت از خشونت علیه زنان در این مورد برداشته باشیم.

هایمن یا پرده بکارت غشاء باریکی است که اطراف دهانه واژن را می‌پوشاند. یک بافت مخاطی، کشسانی و بسیار شفاف که از دوران جنینی باقی می‌ماند و رنگ آن می‌تواند صورتی کم‌رنگ باشد اما در برخی که ضخامت کمتری دارند به صورت بیرنگ است و در عمق ۱-۲ سانتیمتری ورودی واژن قرار دارد. به ندرت در برخی زنان این بافت ضخیم‌تر است و قسمت بیشتری را می‌پوشاند که نیاز به عمل جراحی برای خارج شدن خون دوران عادت ماهانه دارد. پرده بکارت همانند سایر اعضای بدن در هر فرد شکل متفاوتی دارد. در برخی از زنان نیز این

بافت وجود ندارد. همچنین علت وجود این بافت از نظر علمی صد درصد مشخص نیست و تئوری‌های متعددی در طول سالیان برای آن صادر شده است زیرا این پرده هیچ عملکرد بیولوژیکی ندارد.

پرده بکارت یا هایمن انواع متفاوتی دارد که انواع مهم آن عبارتند از:

- ۱- پرده بکارت بدون منفذ
- ۲- پرده بکارت مثلثی
- ۳- پرده بکارت نوع حلقوی (قابل اتساع و غیرقابل اتساع)
- ۴- پرده بکارت نوع هلالی
- ۵- پرده بکارت نوع پل‌دار (دو تکه)
- ۶- پرده بکارت نوع غربالی
- ۷- پرده بکارت نوع زبانه‌دار
- ۸- پرده بکارت نوع دندان‌دار
- ۹- عدم وجود پرده بکارت به طور طبیعی
- ۱۰- پرده بکارت بسیار سخت و سفت

معمولاً هایمن دارای یک یا چند سوراخ کوچک است که برای خروج خونریزی قاعدگی تعبیه شده است. در صورتی که هایمن اصلاً سوراخ نداشته باشد و بطور کامل واژن را بسته باشد، نیاز به دخالت جراحی دارند زیرا در عملکرد طبیعی بدن اختلال ایجاد می‌کند.

به صورت کلی این هایمن‌های مشکلساز به لحاظ فیزیولوژیکی از قرار زیر هستند:

هایمن بسته با سوراخ ریز  
هایمن پل‌دار یا دوسوراخی  
هایمن بسته به طور کامل دهانه واژن را می‌بندد و از عبور جریان خون و ترشحات دیگر جلوگیری می‌کند و می‌تواند در نتیجه وجود ناهنجاری در سلول‌های مخاطی خود هایمن ایجاد شود. در این نوع هایمن خون به واژن برمی‌گردد و در رحم انباشته می‌شود و غالباً توده‌ای را در داخل شکم تشکیل می‌دهد که با درد شکم و کمر همراه است. این خون در اثر پس‌زده شدن به داخل حفره صفاقی می‌تواند سبب بیماری اندومتریوز و نازایی شود که البته این مورد بسیار نادر است. جمع شدن و عقیگرد خون در واژن و همچنین افزایش حجم شکم و درد در ناحیه تناسلی و اختلال در دفع و ادرار از عوارض این مدل از هایمن‌ها است. در هایمن بسته با سوراخ ریز نیز مسائلی شبیه طولانی شدن مدت قاعدگی و دردهای طولانی مدت در ناحیه زیر شکم اتفاق می‌افتد. معمولاً بخاطر کند بودن خروج خون از واژن پروده‌های طولانی‌تری دارند. در این افراد نیز مانند افراد دارای هایمن کاملاً بسته باید با دخالت‌های پزشکی و عمل جراحی باید بخش از بافت این قسمت از بدن برداشته شود تا روند قاعدگی تسهیل یابد.

در هایمن پل‌دار نیز باید بخش اضافه‌ای که به صورت پل وجود دارد، برداشته شود تا فرد درد کمتری را در هنگام قاعدگی و رابطه جنسی واژینال تحمل کند که این نوع هم به دخالت پزشکی نیاز دارد.

اما به لحاظ فرهنگی مسئله‌سازترین نوع هایمن نوع

حلقوی است.

هایمن‌های حلقوی دو نوعند:

- ۱) قابل اتساع
- ۲) غیرقابل اتساع

انواع هایمن‌های حلقوی قابل اتساع علیرغم رابطه جنسی واژینال ممکن است با خونریزی همراه نبوده و برای مرد این تصور را ایجاد کنند که همسر او باکره نبوده است. این توهم سبب مراجعه مکرر زوجین جوان به پزشکی قانونی است.

همان‌طور که گفته شد این بافت در افراد مختلف اشکال مختلفی دارد و در برخی زنان هم اصلاً وجود ندارد. این بافت پوستی به مرور و بخصوص بعد از زایمان نازک‌تر نیز می‌شود و تحلیل می‌رود، اما در بسیاری زنان میانسال که زایمان طبیعی نداشته‌اند، بعد از یائسگی و با کاهش فعالیت جنسی امکان دوباره پوشیده شدن دهانه واژن وجود دارد.

به صورت کلی هایمن معیار مطمئنی برای اثبات دوشیزگی دختران نیست. زیرا ممکن است برخی از دختران در بخش خارجی اندام تناسلی به طور مادرزادی این بافت را نداشته باشند پس تمام دختران هایمن ندارند. طبق پژوهش‌ها از هر هزار نوزاد دختر یک نوزاد اصلاً چنین بافتی ندارد. همچنین این بافت قابلیت ارتجاعی داشته و احتمال دارد خونریزی پس از نخستین رابطه جنسی نیز رخ ندهد. بنابراین نبود هایمن دلیل محکمی برای اثبات دوشیزه نبودن هم نیست.

از مهم‌ترین افسانه‌های مرتبط با بکارت، درد و خونریزی در اولین رابطه جنسی است. یکی از آسیب‌های روانی مخربی که به زنان وارد می‌شود همین تصور و استرس درباره خونریزی است و این استرس وقتی بیشتر می‌شود که شریک جنسی نیز این خونریزی را مهم بداند و نشانه بکارت. اما حقیقت این است که کمتر از نیمی از زنان در هنگام اولین رابطه جنسی خونریزی دارند و عدم خونریزی دلیلی بر وجود یا عدم این بافت پوستی اضافه نمی‌تواند باشد.

مسئله دیگری که در مورد هایمن مطرح است، ترمیم بکارت یا هایمنوپلاستی است که عبارت از چند بخیه به هر سمت این بافت است. این عمل مانند "بخیه زدن کره" است زیرا بافت بسیار نرم و الاستیک است. این بخیه‌ها ندرتاً باعث خونریزی در هنگام رابطه جنسی می‌شوند و اگر زن پیش از ازدواج وادار به معاینه توسط دکتر زنان بشود بخیه‌ها قابل تشخیص‌اند زیرا محل ترمیم به صورت یک اسکار برجسته روشن مشخص خواهد شد. حتی ممکن است بخیه‌ها هم‌زمان با مرخص شدن از بیمارستان بریزند. پس بهترین راه کمک‌های روان‌شناسانه به زن و آگاه‌سازی خانواده و فرد درباره واقعیت موجود است نه کمک فیزیکی و پزشکی.

با تشکر از:

دکتر ندا مقتدری اصفهانی - متخصص زنان و زایمان

# حواشی حذف دو قانون در مجلس!

یا هرعارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.  
موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.  
با توجه به موارد ذکر شده در فواین بالا حذف این دو

پنجم آبان ماه امسال مجلس به حذف برخی قوانین مصوب سال ۱۳۱۴ که آنها را ناسالم خطاب کرد دست زد و آن را به تصویب رساند. اما دو قانون مهم و کاربردی حوزه زنان و خانواده هم در آن دیده می شود. ماده ۱۱۲۲ و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ که همچنان به آن استناد می شود حذف شد.

واقعیت چه بود قانون است و هرچه قدیمی سال ۱۳۱۴ حذف شد زیرا آن ماده قانونی دیگر کاربرد نداشت اما اصلاحیه آن قانون مصوب سال ۱۳۸۹ همچنان هست و قابل استناد می باشد پس این قانون عسرو حرج حذف نشده است. این مواد قانون شامل مواردی است که در زیر نوشته شده

ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی:  
عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود  
خصا

عنن به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.  
مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.

ماده ۱۱۳۰

در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.

تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد:

- ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.
- ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است.
- ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر.
- ۴- ضرب و شتم یا هرگونه سو رفتار مستمر زوج که عرفا با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.
- ۵- ابتلا زوج به بیماری های صعب العلاج روانی یا ساری

ماده، آثار زیان باری خواهد داشت. زیرا با حذف قانون عسر و حرج مردان با فراغ بال دست به آزار و اذیت زده و موجب فروپاشی هر چه بیشتر خانواده خواهند شد. همانطور که در پرونده ای در دادگاه خانواده، قاضی حکم طلاق را برای خانمی که همسرشان معتاد بود صادر نکردند.

البته بعد از تلاش و کلا و گفت و گو های که کردند ابهام زدایی شد و نعلوم شد که فقط ماده واحده آن سال حذف شده و ماده ۱۱۲۲ مصوب سالهای شصت و یک و ماده ۱۱۳۰ مصوب سال هشتاد و یک همچنان قابل استناد هستند.



## سرویس خبری:



وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا  
اَكْتَسَبُوا فَقَدْ  
اِحْتَمَلُوا بُهْتَانًا  
وَإِثْمًا  
مُبِينًا (احزاب آیه ۶۸)

و آنان که مردان و زنان با ایمان  
بی تقصیر و گناه را بیازارند (بترسند  
که) دانسته بار تهمت و گناه آشکار  
بزرگی را برداشته‌اند.



@havvamag



@havva\_mag